

گفت‌وگوی صبا با سامان احتشامی، نوازنده پیانو، آهنگساز و مدرس موسیقی

جای برنامه تخصصی موسیقی



سامان احتشامی یکی از هنرمندان پرسابقه در عرصه موسیقی معاصر به شمار می‌رود. این هنرمند با بهره‌گیری از محضر هنرمندان

پیشکسوتی چون جواد معروفی، محمد سریر و اسماعیل امین موبد وارد عرصه موسیقی شد. او از سن کودکی فراگیری پیانو را شروع کرد و در این رشته چنان خوش درخشید که به گفته خودش، تدریس پیانو را از سن شانزده سالگی آغاز کرد و به دنبال آن توانست در جشنواره‌های مختلفی حضور یابد به طوری که در سال ۱۳۶۸ موفق شد دیپلم افتخار جشنواره موسیقی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را دریافت کند و طی سال‌های ۷۰ تا ۷۴، با کسب مقام اول در رشته پیانوی کلاسیک، برنده لوح زرین و لوح تقدیر جشنواره موسیقی فجر شود. «باغ به باغ»، «پهشت من»، «باغ رو باها»، «کهنه‌های همیشه نو»، «آنا در باغ»، «راز باغ»، «هما یون‌های همایون» و... برخی از آلبوم‌های این نوازنده و آهنگساز هستند. ساخت موسیقی فیلم نیز از جمله فعالیت‌های احتشامی در این سال‌ها بوده است. او در ماه‌های اخیر ساخت موسیقی فیلم «ساعت ۶ صبح» به کارگردانی مهران مدیری را به عهده داشته است. خبرنگار صبا به این بهانه با او به گفت‌وگو نشست است که در ادامه می‌خوانید.

شما اخیراً به همراه عمران فروزش به برگزاری کنسرت دونوای پیانو و تمبک پرداختید. برگزاری چنین کنسرت‌هایی اگر چه سابق بر این هم رایج بوده است، ولی به طور کلی با توجه به این که تمبک و پیانو قرابت و ویژگی مشترکی ندارند چقدر می‌توانند از رهگذر برنامه‌هایی از این دست بیشتر مورد شناخت مخاطبان واقع شوند؟

همان‌طور که در سوال هم اشاره کردید، تمبک و پیانو از سال‌ها قبل به خصوص از زمان برنامه «گل‌ها» در اجراهای مختلف در کنار هم قرار گرفته و آثاری در قالب ارکسترال و سی‌دی‌هایی در این زمینه ارائه شده است. نسخه پیانوی مرتضی خان محجوبی و تمبک حسین تهرانی یا هم‌نوازی نوازندگان تمبک با پیانوی جواد معروفی از جمله این کارها بوده‌اند. در اوایل دهه ۷۰ دو نوار منتشر شد که «با عاشقان» نام داشت و حاصل همکاری اردشیر روحانی به عنوان پیانیست با زنده‌یاد محمد اسماعیلی نوازنده تمبک بود. این تفکر موجب شد تا من هم در سن ۱۴ سالگی به همراه تمبک سیامک بنایی که از شاگردان ارشد استاد اسماعیلی بودند، اثری به نام «باغ به باغ» را تولید کنیم. جالب است بگویم که این اثر در زمان خودش توانست پر فروش شود و بسیار مورد توجه قرار بگیرد. بعد از آن در آلبوم مشترک دیگری «راز باغ» را منتشر کردیم و تلفیق دو ساز پیانو و تمبک تا امروز هم ادامه دارد. خاطر می‌دهم وقتی بچه بودم در تلویزیون سیاه‌پوست‌های آمریکایی که پیانو می‌زدند و آهنگ‌های سنتی را به همراه سازهایی چون درامز، طبل، سنج و خیلی از سازهای ضربی اجرا می‌کردند برام جالب بود. همیشه به این مسئله فکر می‌کردم که چرا پیانوی ایرانی نباید چنین کاربردی را در کنار سازهای کوبه‌ای و ضربی داشته باشد؟ درست است که شاید در نگاه اول، پیانو با این نوع از سازها ویژگی مشترکی نداشته باشند، اما تلفیق صدای این سازها با یکدیگر می‌تواند منجر به خلاقیت شود. هنرمند همواره می‌کوشد تا در فضای هنر به تجربه‌اندوزی بپردازد و با از تجربیات هنرمندان قبل از خود برای تولید صداهای تازه بهره بگیرد، به خصوص این که امروز خلاقیت حرف اول را در عالم هنر می‌زند.

به نظر شما همین تعداد از کنسرت‌هایی که با خلاقیت بیشتری توأم هستند، چقدر می‌توانند در به حرکت در آوردن موتور محرکه موسیقی اصیل ایرانی که در این سال‌ها به باور خیلی از هنرمندان، کم‌کار شده است نقش داشته باشد؟

اساسی‌ترین مشکل مادر حال حاضر در موسیقی ایرانی این است که کانالی برای اشاعه این نوع موسیقی به شکل تصویری نداریم. در نتیجه، طبیعی است که برنامه‌سازان موسیقی هم نتوانند آثاری را در این حیطه به سمع و نظر عموم مردم برسانند. البته در سال‌های اخیر، برنامه‌های اینترنتی با این محور ساخته شده‌اند، ولی باید به این نکته توجه داشت که کشور ما ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد که نیمی از آنها از اینترنت برخوردارند. همیشه بر این باور بوده‌ام که قشر جوان آنچه را که در دسترس او قرار می‌دهند، می‌بینند و می‌شناسند. اغلب جوانان، سازهای مختلف را نمی‌شناسند و مثلاً نمی‌دانند که بین فلوت بانی چه تفاوتی است، یا چند نوع گیتار وجود دارد. به همین خاطر است که وقتی با یک هنرمند موسیقی نواحی مواجه می‌شوند که ساز مخصوص آن جغرافیا را می‌نوازد نمی‌توانند با او و صدای سازش ارتباط برقرار کنند، چون نه در خانواده، نه در مدرسه و جامعه، آموزش دیداری نسبت به این ساز صورت نگرفته است تا آنها بتوانند با چنین نوازندگان و سازهایی آشنا

موسیقی، نمی‌توانند آثار خود را منتشر و عملاً جایگاهی برای ارائه آثار خود ندارند.

اگر ممکن است درباره موسیقی تلفیقی هم صحبت کنیم، به خصوص این که در سال‌های اخیر بعضی از هنرمندان که پیش‌تر در حوزه موسیقی اصیل ایرانی فعالیت داشتند به دلایل مختلف به سمت موسیقی تلفیقی رفته و مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. دیدگاه خود شما نسبت به این مسئله چیست؟

اجرای موسیقی تلفیقی هیچ اشکالی ندارد و به نظر من آن دسته از کسانی که نسبت به فعالیت هنرمندان نقد دارند از مخارج زندگی و اجاره‌خانه هنرمند بی‌خبرند و فکر نمی‌کنند که هنرمند چطور باید به امر معاش بپردازد. امروز موسیقی باپ و شاد و دارای ریتم و حرکت نه فقط در کشور ما که در همه جای دنیا با استقبال بیشتری مواجه است. اما باید زمینه‌هایی هم برای فعالیت دیگر ژانرهای موسیقی مثل موسیقی اصیل ایرانی فراهم شود. همان‌طور که در کشورهای دیگر، ژانرهای مختلف براساس سلیقه مردم فعالیت دارند. در شرایط کنونی موسیقی ما، تهیه‌کنندگان بیشتر ترجیح می‌دهند به سرمایه‌گذاری بر روی آثاری بپردازند که به اصطلاح می‌فروشند. این مسئله باعث شده است تا آثار فرهنگی کمتر مورد توجه قرار بگیرند. البته ناگفته نماند که اخیراً حرکت‌های خوبی در زمینه فرهنگ‌سازی نسبت به موسیقی ایرانی صورت گرفته و برنامه‌های متنوعی ساخته شده است که از این بین می‌توان به برنامه آقای علیرضا عصار اشاره کرد که با تلفیق سازها در کنار هم، زمینه شناخت این سازها را به مردم مهیا کرده و موسیقی را به شکل زنده در معرض دید مخاطبان قرار داده است. یا برنامه «صداتو» که توانسته طیف وسیعی از علاقه‌مندان را جذب کند. همین‌طور برنامه «شب آهنگی» حامد آهنگی که چون نوازندگان در وسط جمع حضور دارند، مردم می‌توانند با موسیقی ارتباط نزدیک‌تری برقرار کنند. اگر بر تعداد برنامه‌های تخصصی

شوند. سالیان سال است که من و هنرمندان دیگر به این مسئله اشاره می‌کنیم که جای برنامه‌های تخصصی موسیقی در تلویزیون خالی است. طبعاً تا زمانی که ساز از تلویزیون نشان داده نشود، هم از تعداد خواهان موسیقی ایرانی روز به روز کاسته می‌شود و هم موسیقی اصیل ایرانی کمرنگ شده و به قهقهه می‌رود.

شما یکی از پرکارترین و پرسابقه‌ترین نوازندگان ساز پیانو هستید، با این حال به نظر شما در این سال‌ها چقدر در این حیطه تحول صورت گرفته و خود شما چقدر در این زمینه نقش داشته‌اید؟

اگر حمل بر خودستایی نشود، ۲۰ سال پیش اولین آکادمی پیانو را در مملکت خودمان راه‌اندازی کردم. تمام هنرمندانی که در حال حاضر در این آکادمی تدریس می‌کنند، زمانی از شاگردان خود من بوده‌اند. خروجی این آکادمی هم این بوده است که در این ۲۰ سال، لاقلاً بیست معلم موسیقی پرورش یافته و ۵۰۰ نوازنده پیانو نیز تحویل جامعه داده‌ایم. هم‌چنین، بیش از ۲۰ هنرجوی آکادمی ما در حال حاضر در خارج از کشور در حال تکمیل تحصیلات خود در این رشته هستند و الغبای موسیقی را از این آکادمی فرا گرفته‌اند. بیش از ۳۰ سال است که به تدریس مشغولم و امروز که در سن ۴۶ سالگی قرار دارم عاشقانه این مسیر را ادامه می‌دهم و امیدوارم تا آخر عمر بتوانم این کار را انجام دهم و به آموزش هنرمندانی بپردازم که معرفت موسیقی را هم یاد بگیرند. بعد از راه‌اندازی این آکادمی، دیگر هنرمندان هم به این فکر افتادند تا قدم‌هایی را در این زمینه بردارند. خوشبختانه، امروز هم بر تعداد آموزشگاه‌های موسیقی افزوده شده و هم شاهد فعالیت هنرآموزان خوبی در این حیطه هستیم. مسلماً خروجی این مراکز آموزشی می‌تواند به درخشش هنرمندان جوان در صحنه‌های جهانی منجر شود و برای جامعه ما افتخار آفرین باشد. هر چند امروز هنرمندان جوان و مستعدی داریم که به دلیل هزینه‌های هنگفت ضبط آثار